

سجاد مرادی کلارده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۰

روح‌الله منعم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲

چکیده

تروریسم تکفیری پدیده‌ای است که طی بیش از یک دهه اخیر سیاست خارجی کشورهای مختلف را تحت‌تاثیر قرار داده و آنها برای مقابله با این تهدید راهبردهای مختلفی را دنبال نموده‌اند. روسیه از مهمترین کشورهایی است که در محیط‌های داخلی و خارجی با این تهدید روبه‌رو است. با توجه به تابعیت روسی بسیاری از تروریست‌هایی که در سوریه و عراق فعالیت دارند، عمده نگرانی روسیه بازگشت آنها به سرزمین اصلی و تهدید امنیت ملی این کشور است. سوال اصلی مقاله این است که مهمترین متغیرهای موثر بر سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری در سوریه چیست و چگونه می‌توان آن را تحلیل نمود؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری در سوریه در قالب سطح تحلیل داخلی (متغیرهای سطح تصمیم‌گیری) و همچنین سطح تحلیل کلان (متغیر نظام بین‌الملل) قابل تحلیل می‌باشد؛ بدین ترتیب که در این رابطه تحت‌تاثیر متغیرهای فردی، نقشی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی قرار دارد. این مقاله در قالب روش توصیفی - تحلیلی به این موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: روسیه، تروریسم تکفیری، تحلیل سیاست خارجی، متغیرهای سطح تصمیم‌گیری، متغیر نظام بین‌الملل.

smkelardeh@gmail.com
r.moneem@yahoo.com

۱. پژوهشگر مستقل، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.
۲. دکتری روابط بین‌الملل، مدرس گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان.

مقدمه

تروریسم و مبارزه با آن چالشی مهم برای کشورها در نظام بین‌الملل است. در دوره بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با توجه به تغییرات ژئوپلیتیک در مناطق جغرافیایی، نوع خاصی از تروریسم معروف به تروریسم تکفیری^۱ گسترش یافته است. این نوع از تروریسم از بطن تعریف خاص‌گرایانه از مذهب زاده شد که یک گروه، سایر گروه‌ها را در قلمرو ایدئولوژیک خود ندانسته و حکم به نابودی آنها می‌دهد (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۳). روسیه از مهمترین کشورهایی است که طی سال‌های اخیر در مقابله با تروریسم تکفیری گام برداشته است. موضوع مبارزه با تروریسم در دهه‌های اخیر برای فدراسیون روسیه دارای حساسیت زیادی بوده است. سنت امپراتوری روسیه همواره در قبال شورش‌های داخلی و جنبش‌های جدایی‌طلب، اتخاذ واکنش‌های تند و خشن بوده و سیاست فعلی مسکو نیز در قبال تروریسم مشابه همین سیاست سنتی است (بزرگمهری و آزادی، ۱۳۹۱: ۴۳). در مورد سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری تاکنون آثار چندی به رشته تحریر درآمده است.

آدمی و آخرالدین (۱۳۹۲) در مقاله «سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف و پیامدها» سیاست خارجی روسیه را درگیر نوعی امنیت‌محوری پنداشته و یکی از مهمترین دلایل حضور نظامی روسیه در بحران سوریه را نگرانی از گسترش گروه‌های تکفیری می‌دانند. از نظر نویسندگان در صورت به قدرت رسیدن این گروه‌ها، نفوذ ژئوپلیتیک روسیه در سوریه از میان خواهد رفت.

واحدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «همکاری‌های ایران و روسیه در حل مناقشات منطقه‌ای» از منظر سطح تحلیل منطقه‌ای به بررسی رویکرد سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری پرداخته است. این مقاله فعالیت گروه‌های اسلامی افراطی را تهدید مشترکی برای دو کشور ارزیابی می‌کند که طرفین برای از بین بردن آن با یکدیگر همکاری می‌کنند.

گرانمایه و لیک^۲ (۲۰۱۶) در مقاله «زوج جدید قدرت: روسیه و ایران در خاورمیانه» به تشکیل ائتلاف از سوی ایران و روسیه برای مقابله با گروه‌های تکفیری، مانند داعش به‌ویژه در بحران سوریه

1. Excommunication Terrorism.

2. Elli Geranmayeh and Kadri Liik.

اشاره دارد که نشان‌دهنده سیاست‌های واقع‌گرایانه دو کشور است. نویسنده رویکرد ائتلافی روسیه را بخشی از دستور کار بین‌المللی مسکو علیه سیاست‌های آمریکا ارزیابی می‌کند.

بالدونی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله «تحلیل تئوریک سیاست خارجی روسیه؛ تغییرات دوره پوتین» به تهاجمی شدن سیاست خارجی روسیه متأثر از بحران‌های منطقه‌ای اشاره می‌کند. از نظر نویسنده سیاست خارجی روسیه پس از روی کار آمدن مجدد پوتین بیش از پیش صورتی تهاجمی به خود گرفته است. از نظر نویسنده دلیل این رویکرد، بحران‌های منطقه‌ای نظیر گروه‌های تکفیری است که زمینه‌های حضور آمریکا را در مناطق پیرامون روسیه فراهم می‌سازد و تهدیدی امنیتی برای این کشور به شمار می‌رود.

درمجموع چنانچه می‌بینیم، این آثار با رویکردی تک‌بعدی، سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری را اغلب در سطح قالب تحلیل کلان و با توجه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی موردبررسی قرار داده‌اند. متغیرهای داخلی روسیه را که بر سیاست خارجی این کشور نیز دارای تاثیر است، نادیده می‌گیرند. بر همین اساس، پژوهش حاضر سعی دارد در قالب نظریه پیوستگی روزنا به تحلیل جامعی از سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری بپردازد که هم متغیرهای سطح داخل و هم متغیر کلان بین‌المللی را نیز در برمی‌گیرد.

یک. چارچوب نظری

سیاست خارجی از آن دسته مفاهیم سیالی است که به واسطه ماهیت تحول‌پذیر و ابزارهای متعدد و نیز گستردگی اقدامات دولت‌ها، تعاریف متعددی به خود می‌گیرد؛ مسئله‌ای که باعث شده است تا نوعی از ایستارهای باثبات نسبت به صحنه بین‌الملل فرض شود که طرح‌های ذهنی یا عینی کشورها نسبت به روابط‌شان با دنیای خارج را می‌سازد (والاس، ۱۳۸۴: ۱۵). یکی از مهمترین موضوعات پیرامون سیاست خارجی، اهمیت تحلیل آن است که درواقع همان بررسی، اداره و اجرای روابط میان کنش‌گران مختلف به‌ویژه دولت‌ها در نظام بین‌الملل است.

تحلیل سیاست خارجی به‌مثابه یک حوزه مطالعاتی، با تمرکز بر چگونگی اداره روابط بین‌دولتی و نگرش هنجاری آن در رشته روابط بین‌الملل توسعه یافته است (میرمحمدی و خسروی، ۱۳۹۳:

1. Baldoni.

۱۳-۱۲). فرضیه مقدماتی بیشتر تحلیل‌های سیاست خارجی این است که دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در دو محیط داخلی و خارجی دارای موجودیت است. در سیاست داخلی، دولت پس از تصمیم‌گیری درباره راهکار، هم اجازه عمل و هم ابزار انجام آن را دارد؛ اما در سیاست خارجی چنین نیست و نتایج حاصل تصمیم مشترک هستند. اینکه دولت ابزار رسیدن به مقصود خود را دارد یا نه مشروط است (براون، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۴).

یک راه کاربردی در تحلیل سیاست خارجی، بهره‌گیری از سطوح تحلیل است. سطح تحلیل منظری است که پژوهشگر از آن به‌واقعیات بیرونی نگاه می‌کند. سطح تحلیل به ما می‌گوید مشاهده خود را از کجا آغاز کنیم و با چه روشی مطالعه کنیم (خسروی و میرمحمدی، ۱۳۹۳: ۸۱). در ارزیابی سیاست خارجی دولت معمولاً دو سطح تحلیل قابل شناسایی است. ۱. سطح تحلیل خرد که بر ویژگی‌های داخلی اعم از ساختار قدرت، ویژگی‌های تصمیم‌گیرندگان و ساختار اجتماعی کشور نظر دارد؛ ۲. سطح تحلیل کلان که بر ساختار نظام بین‌الملل و نوع صورتبندی آن توجه دارد. در سطح تحلیل خرد به این موضوع توجه می‌شود که وجود کشورها با وجوه مختلف، شاخصه‌ای متمایز را به‌وجود می‌آورد که به طرقی بر چگونگی رفتار سیاست خارجی تاثیر می‌گذارد. رهیافت خرد در بطن خود به نقد فرضیه توپ بیلاردی برمی‌خیزد. در نتیجه این متفکرین فرض می‌نمایند که وجود مختلف‌الوجوه کشورها موجب ارایه برونادهای گوناگون می‌شود که به‌عنوان درونداد نظام بین‌الملل عمل می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۰۰). رویکرد بارز بررسی این رهیافت نظریه تصمیم‌گیری و نقش افراد است. تصمیم‌گیری یا تصمیم‌گیر به این دلیل دارای اهمیت است که تئوری تصمیم‌گیری به دولت‌ها و یا نهادهایی، چون قوه مجریه به‌عنوان موجوداتی انتزاعی توجهی نمی‌کند؛ بلکه در پی تشخیص چگونگی شکل‌بخشی رفتار تصمیم‌گیران به رفتار حکومت‌ها است. تصمیم‌گیران سیاست خارجی تحت‌تاثیر رفتارهای تجویزی اجتماعی، سیاسی و هنجارهای حقوقی ناشی از مسئولیت‌ها قرار دارند. سیاست‌گذاران فارغ از شخصیت روانی و ویژگی فردی، هنگام عهده‌داری نقش خاص، تصمیم و رفتارشان بر اساس انتظاراتی که از آن نقش می‌رود، شکل می‌گیرد؛ بنابراین تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی باید خود را با الزامات، ضروریات و شرایط خاص نقش و مسئولیت وفق داده و طبق آن عمل نمایند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۰-۱۸۰).

هالستی در زمینه تاثیرات عوامل درونی بر حوزه تصمیم‌گیری معتقد است که نوع رژیم اقتصادی

و سیاسی کشور نقش قاطعی در تهاجم کشورها ایفا می‌کند. دلیل آن این است که کشورهای با نظام‌های بسته با دست‌کاری افکار عمومی بسیار آسانتر می‌توانند حمایت گسترده مردم را جلب نمایند. اقدامات سیاست خارجی تهاجمی معمولاً ناشی از بی‌ثباتی داخلی است؛ چراکه در موارد متعدد قدرت‌های خارجی به هنگام بروز جنگ داخلی و شورش اقدام به دخالت کرده‌اند. از نظر وی با استفاده از متغیرهای روانی می‌توان استدلال کرد که در رژیم‌های دارای رهبری فرهوشی تصمیمات خودسرانه احتمالاً موجب تمجیدهای شخصی گسترده‌ای می‌شود. تصمیم‌گیری سیاست خارجی همیشه با آگاهی از توانایی‌های بالقوه یا فوری کشورها نسبت به دستیابی به اهداف صورت می‌گیرد. بدین لحاظ در حوادث بسیاری وسیله بر هدف تاثیر می‌گذارد. میزان و نوع توانایی‌ها اعم از پرسنل دیپلماتیک، کالاهای اقتصادی، تسهیلات حمل‌ونقل یا نیروی نظامی امکان موفقیت در یک وضعیت خاص را نشان می‌دهد. همچنین اثر طرز تلقی‌ها و افکار عمومی در انتخاب اهداف و تصمیم‌گیری ممکن است به گستردگی مردم و نوع موضوع مرتبط باشد (هالستی، ۱۳۸۴: ۱۶۱-۱۵۰).

برخلاف سطح تحلیل خرد، سطح تحلیل کلان به کل نظام بین‌الملل و مفروضه‌ها و قضایای انتزاعی کلی تاکید دارد. مرجع بررسی اطلاعات برای نظریه‌پردازان کلان مبتنی بر ورودی‌های زمینه‌ساز محیط بین‌الملل، عوامل تعدیل‌بخش و صحنه‌های پذیرنده سیاست خارجی ناشی از کل نظام بین‌الملل است. آنها با بی‌توجهی یا کم بها دادن به نقش کشور به‌عنوان زیر مجموعه نظام بین‌الملل در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی، توجه خود را به مسایلی مانند ترکیب ساختاری قدرت معطوف می‌کنند. نظام‌های موازنه قدرت، بحران‌زا، بحران‌زدا، کشاورزی-صنعتی، متعادل-نامتعادل و شش مدل وتوی واحدها-موازنه قدرت-دو قطبی منعطف-دو قطبی متصلب-سلسله مراتبی-نظام عالمگیر جهانی و نوواقع‌گرایی ساختاری نمونه‌هایی از نظریه‌های سطح تحلیل کلان است. این نظریه‌ها با تکیه بر سطح نظام بین‌الملل، شاخصه رفتاری کشورها را تابع خروجی حاصل از شکل‌گیری در سطح کلان نظام می‌دانند که به‌طور جبری به‌عنوان ورودی بر دستگاه تصمیم‌گیری واحدهای عضو در نظام بین‌الملل حاکم شده و بر رفتار خارجی آنها اثر می‌گذارد؛ بنابراین کشورها در تصورشان به‌عنوان واحدهای عضو مانند توپ‌های بلیارد هستند. پژوهش‌گران این رهیافت با فراموش کردن تفاوت‌های بازیگران عضو نظام بین‌الملل نوعی همگونی برای آنان

قایلند، تمایزهای بین واحدها و بازیگران نظام را نادیده گرفته و دولت‌های ملی را واحدهایی مشابه می‌دانند. در نتیجه در مدل‌های آنها نقش نظام ارزشی و پویای داخلی بازیگران در رفتار سیاست خارجی ناچیز محسوب می‌شود. به رغم این، از اوایل دهه ۱۹۶۰ اقداماتی جهت ارایه رهیافت سوم که دو سطح تحلیل کلان و خرد را بهم اتصال دهد، آغاز شد. جیمز روزنا^۱ از دانشمندانی است که با ارایه مدل پیوستگی سیاست خارجی، در این راه گام برداشت (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۶۳). بر اساس مدل وی، رفتار سیاست خارجی کشورها نوعی واکنش به محرک‌های داخلی و خارجی است که در قالب متغیرهای زیر، مانند حلقه‌های زنجیر با هم ارتباط دارند:

۱. متغیر فرد: ویژگی‌های اختصاصی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی مانند استعدادها، تجربه‌ها و ارزش‌ها است که آنها را از دیگر متمایز می‌سازد؛
۲. متغیر نقش: ارزیابی متغیر نقش بدون توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد انجام می‌گیرد و عبارت از محدودیت‌هایی است که نقش‌های مختلف بر سیاست‌گذار خارجی تحمیل می‌کنند؛
۳. متغیرهای حکومتی: ویژگی‌هایی از سیستم حکومت، مانند نوع نظام سیاسی و تاثیر قوای حکومتی که با تحدید یا گسترش گزینه‌های سیاست‌گذار، باعث محدودیت یا ارتقاء اقدامات سیاست خارجی می‌شود؛
۴. متغیرهای اجتماعی: به بخش‌های خارج از حکومت موثر بر رفتار سیاست خارجی، مانند خصوصیات ارزشی، گروه‌های فشار و ترکیب جمعیتی اشاره دارد؛
۵. متغیر محیط بین‌المللی: ویژگی‌های محدودیت‌آفرین خارج از محیط یک جامعه که بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی موثر است. هدف کلی روزنا از ارایه این طرح، تبیین علی سیاست خارجی و سنجش نقش متغیرهای فوق بر آن است (Rosenau, 1971).

دو. روسیه و تهدید تروریسم تکفیری

روسیه همانند هر کشور دیگر، در محیط‌های داخلی و خارجی با تهدیدات مختلفی مواجه است که یکی از مهمترین آنها تروریسم تکفیری است. در اسناد استراتژی امنیت ملی این کشور نیز، سازمان‌های تروریستی به عنوان تهدیدی فراوی روسیه محسوب شده است (امیری، ۱۳۹۴: ۹۸).

1. James Rosenau.

سازمان امنیت فدرال روسیه در گزارشی در زمینه مطالعه تیپ‌شناسی اقدامات تروریستی، شش تیپ ترور را معرفی کرده است که شامل ناسیونالیستی، افراط‌گرایان چپ، افراط‌گرایان راست، ترورهایی با پشتیبانی دولت، مذهبی و آنارشیکستی هستند. اقدامات تروریستی تکفیری در گروه‌های مذهبی قرار دارد و بسیاری از گروه‌های وهابی، تروریسم را موثرترین وسیله رسیدن به اهداف می‌دانند. به‌طور کلی وهابیت در سال‌های اخیر در روسیه با مبارزه با دولت مرکزی روسیه درآمیخته است؛ به‌نحوی که گروه‌های وهابی تلاش زیادی برای ایجاد هرج‌ومرج در داخل روسیه کرده‌اند (پسندیده، ۱۳۹۳: ۵-۳).

تهدید گروه‌های تکفیری برای روسیه در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و شمالی و خاورمیانه به‌صورت بالقوه وجود دارد. یکی از مناطق تحت نفوذ مسکو و درگیر مسئله تروریسم، آسیای مرکزی است. اندیشه وهابیت نخستین‌بار در سال ۱۹۱۲ به آسیای مرکزی معرفی شد. این اندیشه در بحبوحه فروپاشی شوروی و بعد از ۷۰ سال محرومیت مذهبی ناشی از سلطه کمونیسم، به‌عنوان جنبشی که هدف آن آموزش سنت‌های اسلامی به اهالی بومی بود، به‌سرعت گسترش یافت. فعالیت گروه‌های تکفیری که پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ سرعت بیشتری گرفت، ایجاد چالش برای روسیه را به‌عنوان یک هدف اصلی در نظر داشت.

تروریسم تکفیری در قفقاز جنوبی نیز، تهدیدی برای روسیه محسوب می‌شود. وهابیت به‌ویژه در جمهوری آذربایجان رشد داشته است؛ در حالی که قاطبه مردم با رشد افراط‌گرایی دینی مخالف هستند. وهابیان از ۱۹۹۷ پایگاه‌هایی در آذربایجان تاسیس کردند. گفته می‌شود تعداد سلفی‌های آذربایجان حدود ۵۰ هزار نفر است که به چهار گروه خوارج امروز، جماعت هجرت، تکفیر و اخوان تقسیم می‌شوند. با این وجود، بیشترین تهدید تروریسم تکفیری برای روسیه، در جمهوری‌های چهارگانه قفقاز شمالی شامل داغستان، چچن، اینگوشیا و قره‌چای وجود دارد که مثال بارز آن بحران چچن است که بعد از ۱۹۹۶ از آرمان استقلال‌طلبی به افراط‌گرایی تکفیری تغییر یافت (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۳: ۲۴۸-۲۴۷).

درنتیجه تحولات چچن، دولت روسیه قانون فدرال مبارزه با تروریسم را در سال ۱۹۹۸ به تصویب رساند. این قانون طرح رژیم قانونی عملیات ضدتروریستی را تعیین و مبنایی را برای عمل سازمان‌های ضدتروریستی روسی فراهم آورد. روسیه در سال ۱۹۹۹ وارد دومین نبرد با شورشیان

چچن شد. در واکنش به موج تروریسم، پوتین رئیس‌جمهور این کشور به مردم قول داد که ساختار امنیتی روسیه را اصلاح کرده و روشی را برای هماهنگی فعالیت سازمان‌های ضدتروریستی ایجاد کند. بدین ترتیب حضور نظامی در قفقاز شمالی افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹ قانون فدرال جدید ضدتروریسم تصویب شد که استفاده از نیروهای مسلح را علیه تروریسم در داخل و خارج از کشور قانونی کرد (Omelicheva, 2009: 3-5).

در عین حال، بیشترین درگیری روسیه با گروه‌های تکفیری در خاورمیانه است. مسکو بعد از کنار رفتن نفوذ غرب‌گرایان در سیاست خارجی این کشور، توجه خاصی را به خاورمیانه معطوف کرده و همچنین دو کشور ایران و سوریه از جایگاه مهمی در سیاست خارجی این کشور برخوردارند. روسیه در جریان تحولات بیداری اسلامی، به‌عنوان یکی از بازیگران فرامنطقه‌ای، سیاست خاصی را اتخاذ کرد. درواقع، وقوع انقلاب‌های عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا، قدرت بازیگری روسیه را افزایش داد و سبب شد تا نقش موثری را در آن ایفا نماید (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

سیاست خارجی روسیه در مقابله با گروه‌های تکفیری در خاورمیانه بیش از همه در سوریه درگیر بوده است. سوریه، از معدود کشورهای خاورمیانه است که همواره روابط نزدیکی با روسیه داشته است. دمشق از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، مهم‌ترین متحد مسکو در منطقه بود و ارتش سوریه توسط مدرن‌ترین جنگ‌افزارهای روسی تسلیح می‌شد. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی نیز روسیه برای حل مسایل جهانی نزدیکی با روسیه را دنبال نمود که شرکت مسکو در روند تعدیل روابط سوریه و رژیم صهیونیستی، کنترل برنامه‌های نظامی سوریه از سوی مسکو و حل‌وفصل مسایل مرتبط با چچن از طریق سوریه مهم‌ترین محورهای آن بودند (عابدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۱).

روسیه در تحولات بیداری اسلامی، وضعیت سوریه را متفاوت از دیگر کشورها ارزیابی کرد که حضور بازیگران خارجی آن را مشابه سایر بحران‌ها جلوه داده است. به همین دلیل، حمایت قاطع خود را از دولت بشار اسد اعلام کرد. از مهم‌ترین موضوعاتی که در بحران سوریه موجب نگرانی روس‌ها شد، شیوع تروریسم تکفیری است. روس‌ها معتقدند که حضور نیروهای افراطی و شبه‌نظامیان از چچن و بالکان تنها محدود به سوریه نبوده و بعد از سوریه، آنها عزم قلمرو روسیه خواهند نمود (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۶).

بخش اعظمی از تروریست‌ها در سوریه، تابعیت روسی دارند. آمار موسسه سوفان آمریکا، این

تعداد را بیش از ۳۰۰۰ نفر تخمین زده است که بیش از ۴۰۰ تن از آنها تاکنون به روسیه بازگشته‌اند (Barrett, 2017: 7). شواهد نشان می‌دهد که حملات در شمال سوریه در سطوح فرماندهان و جنگجویان نبردی کاملاً چچنی بوده است. تصادفی نیست که سه فرد چچنی، یعنی صلاح‌الدین چچنی، معاونش محمد و ابوموسی چچنی به ترتیب فرماندهی نبردهای حلب و کسب را بر عهده داشتند.

از نظر مسکو شورشیانی که به خانه بازمی‌گردند، ترکیب خطرناکی از باورهای تروریستی و تجربه نبرد را به همراه دارند. آنها آموخته‌اند که در شرایط شورش و نبرد چگونه عمل کنند. تحت این شرایط کنترل این افراد برای کرم‌لین کار سختی خواهد بود. به‌ویژه قابلیت انتقال تجارب تروریستی به دیگران، برای مسکو در قفقاز شمالی که وضعیت امنیتی شکننده‌ای دارد، یک خطر بالقوه محسوب می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۳: ۵).

علاوه بر ابعاد داخلی، در حوزه‌های منطقه‌ای نیز به قدرت رسیدن تروریست‌ها در سوریه، عواقب جبران‌ناپذیری برای روسیه دارد. روسیه بر این امر واقف است که در صورت به قدرت رسیدن مخالفین، سوریه از حوزه قلمرو ژئوپلیتیک روسیه خارج می‌شود. بر همین مبنا مسکو در پی ثبات‌سازی در خاورمیانه است و می‌کوشد روابط متوازنی را با کشورهای منطقه برقرار سازد؛ چراکه از این طریق می‌تواند جایگاه خود را در منطقه تقویت کند (آدمی و آخرالدین، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۳).

بر این اساس، سیاست خارجی مسکو در قبال سوریه ترکیبی از علقه‌های ژئوپلیتیک در کنار منافع امنیتی است. روسیه پس از مشاهده استقامت دولت اسد با حمایت‌های ایران، از اواسط سال ۲۰۱۵ حضور فعالی در مقابله با گروه‌های تروریستی داعش و جبهه‌النصره داشته است. نقش بارز روس‌ها در این مبارزه، پشتیبانی هوایی و اطلاعاتی از ارتش سوریه بوده است. روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ حملات هوایی به مواضع تروریست‌ها در سوریه را آغاز کرد؛ گرچه هدف فوری این حضور، جلوگیری از سرنگونی رئیس‌جمهور اسد توسط شورشیان بود؛ اما اکثر تحلیل‌گران اهداف اصلی این حملات را تایید دوباره وضعیت قدرت بین‌المللی روسیه، حفاظت از امنیت روسیه از تروریسم جهادی، اجتناب از تحکیم اصل مسئولیت حمایت به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل و نشان دادن قدرت نظامی مسکو و جذب مشتری برای سلاح‌های روسی ارزیابی کرده‌اند (Baldoni, 2016: 5-9).

سه. تحلیل سیاست خارجی روسیه در قبال تروریسم تکفیری

سیاست خارجی روسیه فرایندی است که بر اساس راهبردهای عمل‌گرایانه، منفعت‌محور و در عین حال مسئولانه و مبتنی بر قواعد بین‌المللی شکل گرفته است (همت‌ووچ، ۱۳۹۷). روسیه مانند هر کشوری برای رفع تهدیدات و حفظ امنیت خود اولویت خاصی قایل است. این امر به لحاظ آنکه روسیه در پی فروپاشی شوروی در صدد تنظیم روابط خارجی خود بر مبنای جدیدی برآمده، از اهمیت بیشتری برخوردار است (نوری، ۱۳۸۹: ۱۵۷). بر این اساس، در سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری، متغیرهای زیر موثر بوده‌اند که در اینجا به تحلیل آنها پرداخته شده است.

۱-۳. متغیر فردی

در این سطح باید به علایق و روانشناسی نخبگان روس و به‌طور مشخص ولادیمیر پوتین^۱ رئیس‌جمهور این کشور پرداخت. وی که طی سال‌های (۲۰۰۸-۲۰۰۰) و (۲۰۱۶-۲۰۱۲) سکان ریاست جمهوری روسیه را برعهده داشته و در انتخابات سال ۲۰۱۷ نیز با اکثریت آرا مجدداً به این سمت دست یافت، فردی شجاع، بااراده و مغرور به‌نظر می‌رسد. ژست‌های بدنی خاص او در موقعیت‌های مختلف، نمود بارز این موضوع است. چری بلر^۲ همسر تونی بلر^۳ نخست‌وزیر اسبق انگلیس که با پوتین دیدار داشته، در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «پوتین برای قوت فیزیکی ارزش بسیار زیادی قایل است، چه برای خودش و چه برای کشورش. او مردی نیست که شما بخواهید از او عبور کنید». تونی بلر هم در اولین ملاقات با پوتین، می‌نویسد: «رفتار او مانند تزارها بود». جورج بوش^۴ نیز در خاطراتش با اشاره به اینکه بیش از ۴۰ بار با پوتین ملاقات داشته، در مورد شخصیت وی می‌نویسد: «او بعضی وقت‌ها جسور و از خود راضی، بعضی وقت‌ها جذاب و همیشه سرسخت بود».

این موارد نشان می‌دهد که مرد شماره یک روسیه، دارای روحیاتی از جنس روحیات سیاستمداران و به‌خصوص تزارهای سابق روس است، تزارهایی که اشتیهای سیری‌ناپذیری به فتح و غلبه داشتند و برای شمایل فیزیکی روسیه اهمیت بسیاری قایل بودند؛ اما نباید چنین پنداشت که پوتین با مقتضیات دنیای کنونی بیگانه است. مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در مورد دیدار

1. Vladimir Putin.

2. Cherie Blair.

3. Tony Blair.

4. Goeorge Bush.

با پوتین در سال ۲۰۰۰ می‌نویسد: «پوتین در نگرش و چشم‌انداز، جوان‌تر و مدرن‌تر از یلتسین و پریماکوف است». از این گذشته به لحاظ سیاسی نیز پوتین شخصیتی ملی‌گراست که سیاست‌های غرب‌گرایانه روسیه در دهه ۱۹۹۰، را به‌خوبی به خاطر دارد. پوتین که معتقد است روسیه بعد از فروپاشی شوروی غارت شده است، تمام تلاش خود را برای بازگشت روسیه به جایگاه اصلی خود در ساختار بین‌الملل انجام داده است. دو ویژگی مهم پوتین، تلاش وی برای عظمت و بزرگی روسیه و عمل‌گرا بودن اوست. نیکلاس برنز دیپلمات آمریکایی در این باره می‌گوید: «به جای گوش دادن به حرف‌های او، بهتر است به آنچه انجام می‌دهد، توجه شود» (شاپوری، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۳).

پوتین همانند سایر روس‌ها، نوعی هراس تاریخی از جهان خارج دارد. دیمیتری ترینین^۱ تحلیل‌گر ارشد کارنگی^۲ می‌گوید: «پوتین تنها راه تضمین امنیت روسیه را داشتن کشوری قدرتمند می‌داند که می‌تواند نیروی خود را برای دفاع بسیج کند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در طول حکومت تزاری رومانوف‌ها، دوره‌های لنین و استالین تا به امروز، حکومت شخصی‌گرایانه در روسیه حاکم بوده و بخش قابل‌توجهی از قدرت در دست یک فرد متمرکز بوده است.» فیونا هیل همکار ارشد برنامه سیاست خارجی موسسه بروکینگز پا را از این نیز فراتر گذاشته و شش مولفه «شخصیت تاریخی، انسان زنده، نجات‌دهنده، بیگانه‌ستیز، بازاری آزاد و افسر امور» را برای پوتین قایل است. هیل معتقد است که این شش مولفه، نقش مهمی در شکل‌گیری اولویت‌های سیاست خارجی و اهدافی که پوتین برای روسیه شناسایی کرده و نیز روش‌هایی که او برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود و رسیدن به آن اهداف تعیین می‌کند، دارند (Baldoni, 2016: 12).

مهمترین تاثیر متغیر فردی بر سیاست روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری، شخصیت جنگنده و سیاست خارجی تهاجمی پوتین و حضور مستقیم در سوریه است. این مسئله که ناشی از ویژگی‌های عمل‌گرایی، برتری‌جویی و احیای عظمت روسیه توسط پوتین است، به‌ویژه در مقاومت مستقیم در تقابل با رویکرد جنگ نیابتی آمریکا مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اقدام نظامی بی‌سابقه این کشور در سوریه، روسیه را از وضعیت منفعل در خاورمیانه به وضعیت مبتکر نسبی ارتقاء داد. پوتین در سخنرانی خود در هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ گفت: «روسیه

1. Dimitri Trenin.

2. Carnegie Endowment for International Peace.

همواره با تمام اشکال تروریسم مخالف است. ما به کمک‌های نظامی و فنی به عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه‌ای برای مبارزه با گروه‌های تروریستی ارایه می‌دهیم. این اشتباهی بزرگ است که به همکاری با نیروهای دولتی سوریه که با شجاعت با تروریست‌ها مبارزه می‌کنند، بی‌اعتنا باشیم» (Putin, 2015: 1).

به علاوه، در بازه زمانی آغاز حملات روسیه علیه تروریست‌ها در سال ۲۰۱۵، نظرسنجی‌ها حکایت از افزایش بی‌سابقه میزان محبوبیت پوتین در بین مردم روسیه دارند. نظرسنجی که توسط موسسه «VTSIOM» در ۱۳۰ بخش روسیه پس از انجام حملات هوایی در سوریه انجام گرفت، میزان محبوبیت پوتین را ۸۹٫۹ درصد اعلام کرد. این مرکز دلیل چنین رکورد بالای محبوبیتی برای پوتین را انجام حملات هوایی علیه مواضع تروریست‌ها در سوریه اذعان کرد (Reuters, 2015: 1-2). به‌علاوه، بر اساس نظرسنجی سایت لوادا در مارس ۲۰۱۸، ۵۸ درصد شرکت‌کنندگان در جواب این سوال که آیا روسیه در مسیر درستی در سیاست‌ها و اهداف خود قرار دارد، پاسخ مثبت دادند، ۲۷ درصد پاسخ منفی و ۱۶ درصد نیز از پاسخ‌دهی امتناع کردند (Levada, 2018:1). محبوبیت داخلی پوتین ناشی از مبارزه با تروریسم، موجب شد تا او در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، جایگاه ویژه‌ای را در بین جمعیت مسلمانان این کشور به‌دست آورد (Lazarev and Biryukova, 2016: 2).

۲-۳. متغیر نقش

در بررسی این متغیر بر سیاست خارجی روسیه، باید به تمرکز قدرت ایجاد شده در دستگاه‌های دولتی روسیه پس از به قدرت رسیدن پوتین اشاره کرد. پوتین تلاش کرد ضمن ایجاد یک نظام سلسله مراتبی انعطاف‌ناپذیر، کلیه نهادهای مرتبط با این حوزه را در خدمت اجرای اهداف تعیین شده قرار دهد و مجال رفتارهای مستقلانه را در حوزه خارجی محدود کند. وی موفق شد تا اجماع داخلی را در حوزه نهادی پیرامون اهداف و سازوکارهای اجرای سیاست خارجی شکل دهد. در بررسی سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری بر مبنای متغیر نقش، می‌توان تاثیر نقش‌های رئیس‌جمهوری، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع اشاره کرد.

جایگاه برتر رئیس‌جمهور در ساختار سیاسی روسیه به‌لحاظ امتیازات ویژه‌ای است که در قوانین اساسی و فدرال برای او در نظر گرفته شده است. بسیاری از امور مربوط به سیاست خارجی از جمله برقراری، بسط و قبض روابط با کشورهای خارجی و اعلام مواضع کشور پیرامون تحولات بین‌المللی

به صورت مستقیم زیر نظر رئیس جمهور است. تحلیل گران به واسطه نقش مسلط رئیس جمهور در سیاست گذاری خارجی، این حوزه را در اساس «ریاستی» می دانند (نوری، ۱۳۸۹: ۱۱۵). قانون اساسی روسیه در ۱۹۹۳ نیز به رئیس جمهور اجازه می دهد تا سیاست خارجی کشور را اداره کند. پوتین حدود دو دهه در قدرت سیاسی حضور دارد. وی برخلاف سایر رهبران روس، از قدرت شخصی بسیاری برخوردار است. این قدرت تا حدود زیادی بر اعتماد بالای روس ها به وی به عنوان ناجی روسیه از فساد اقتصادی و مبارزه با الیگارش‌ی قدرت و ثروت دوره شوروی مبتنی است (Baldoni, 2016: 12). رئیس جمهور، مهمترین متغیر نقشی موثر بر سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم را دارد. پوتین در سخنرانی سالیانه در مجمع فدرال روسیه به طرح گزاره هایی، چون «مسئولیت تاریخی روسیه در جهان بی ثبات رو به افزایش است» و «روسیه یکی از تضمین کنندگان مهم ثبات منطقه ای و جهانی است» پرداخت (نوری، ۱۳۹۴: ۳۹-۳۸).

وزیر امور خارجه نیز در سیاست خارجی ضد تروریستی مسکو نقش مهمی دارد که به ویژه در همکاری با سایر بخش های امنیتی و نظامی مشاهده می شود. سرگئی لاوروف^۱ وزیر امور خارجه روسیه معتقد است که «آینده جهان با توجه به نوع چگونگی شکل گیری شرایط جدید در سوریه پدید می آید». وزیر خارجه روسیه تاکنون دیپلماسی فعالی را در شورای امنیت سازمان ملل دنبال کرده و به ویژه از ایجاد محدودیت برای دولت سوریه در مقابل معارضین جلوگیری نموده است. نقش مهم وزیر خارجه روسیه در ابتکار مذاکرات صلح آستانه و ژنو در همکاری با همتای ایرانی برای اتخاذ یک دیپلماسی فعال در مقابله با تروریست ها قابل ذکر است.

مبارزه با تروریسم در بند ۱۴ سند مفهوم سیاست خارجی روسیه سال ۲۰۱۶ نیز مورد توجه قرار گرفته است: «تهدید رو به رشد تروریسم بین المللی یکی از خطرناک ترین واقعیت ها در جهان امروز است. گسترش ایدئولوژی گروه های تروریستی در خاورمیانه و شمال آفریقا، منجر به تخریب سازوکارهای سنتی حکومت ها و گسترش غیرقانونی تسلیحات در مقیاس های بزرگ شده است. نیروهای تروریستی برای ترویج خشونت، از تحریف ارزش های مذهبی بهره برداری می کنند. در بند ۱۵ این سند نیز آمده است: «تهدید جهانی تروریستی با ظهور داعش و گروه های مشابه... به سطوح بالایی رسیده است. آنها خواهان ایجاد دولت خود و تقویت نفوذ خود از سواحل اقیانوس اطلس تا

1. Sergei Lavrof.

پاکستان هستند (3: Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2016).

نقش نظامیان نیز در سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری پررنگ بوده است. بحران‌های امنیتی پیچیده و چندلایه در خاورمیانه نظیر بحران تروریسم، به سیاست خارجی روسیه رنگ و بوی امنیت‌محور بخشیده و نقش پررنگ نظامیان را در سیاست خارجی این کشور در پی داشته است. الزام نوسازی ارتش سوریه و بکارگیری سلاح‌های تاکتیکی در مبارزه با تروریست‌ها نیز این نقش را ارتقاء بخشیده است. روسیه تاکنون در مبارزه با تروریست‌ها، مدرن‌ترین سلاح‌های خود را بکار گرفته است. سامانه‌های پدافندی دفاع ضدهوایی اس-۴۰۰، تانک‌های تی ۹۰، موشک ضدتانک TOW، جنگنده‌های سوخوی ۳۵، بمب‌افکن‌های توپولف TU160 معروف به قوی سفید حامل بمب‌های هدایت شونده، موشک‌اندازهای TOS-1A معروف به آتش خورشید و موشک‌های کروز که از کشتی‌های موشکی روسیه در دریای خزر شلیک می‌شوند، بخشی از این سلاح‌ها هستند (Sputnik News, 28.02/2016).

۳-۳. متغیر حکومتی

در این سطح با تاثیر نظام سیاسی و اقتصادی روسیه بر سیاست خارجی این کشور در مبارزه با تروریسم روبه‌رو هستیم. در نظام سیاسی جدید روسیه از ابتدای تشکیل به واسطه عدم شفافیت چگونگی تفکیک قوا و حوزه‌های اختیار قوای مقننه و مجریه، روابط قوای حکومتی دستخوش تحولات زیادی شده است (نوری، ۱۳۸۹). ساختار سیاسی در روسیه به‌صورت جمهوری فدرال نیمه‌ریاستی با نهادهای تقنینی، قضایی و اجرایی است که در بین آنها قدرت رییس‌جمهور فزاینده است.

نظام سیاسی روسیه از قوای اجرایی، تقنینی و قضایی تشکیل شده است و تاثیر این نهادها در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه دارای سابقه تاریخی است. در بحران چچن نیروهای واحدهای نظامی از وزارتخانه‌های دفاع، امور خارجه و خدمات مرزی در شناسایی و نابودی تروریست‌ها نقش گسترده‌ای داشتند (8: Omelicheva, 2009). پارلمان یکی از نهادهای موثر در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه است. نهاد پارلمان در روسیه از مجالس دوما و شورای فدراسیون تشکیل شده و به جمع این دو مجمع فدرال گفته می‌شود. دوما روسیه طبق قانون اساسی می‌تواند در مواردی بر فراگرد سیاست‌گذاری خارجی موثر باشد که یکی از مهمترین آنها تایید و یا رد بکارگیری نیروهای نظامی در خارج از کشور است (نوری، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸).

مهمترین نقش پارلمان روسیه تصویب حضور نظامی دایمی در سوریه برای مقابله با تروریست‌ها است. مجلس دوما توافقنامه‌ای را که به حضور نظامی روسیه در پایگاه هوایی حمیمیم در استان ساحلی لاذقیه سوریه رسمیت می‌بخشید، به تصویب رساند. این توافقنامه در ۲۶ اوت ۲۰۱۵ در دمشق به امضای مقامات روسی و سوری رسیده بود و برای تصویب به دوماي روسیه ارایه شد. پس از تصویب دوما، مجلس سنا (شورای فدراسیون) نیز آن را به تصویب رساند که با امضای پوتین به اجرا گذاشته شد. بر طبق این توافق طرف روس مأموریت‌های پدافند هوایی و حفاظت داخلی سوریه را برعهده می‌گیرد. مدت این توافق ۴۹ سال خواهد بود و در صورتی که هیچ کدام از طرفین قصد خروج از آن را نداشته باشند، امکان تمدید آن برای چندین مرحله که هر کدام ۲۵ سال است، وجود دارد.

وزارت خارجه نیز نقش مهمی در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه داشته است. پوتین بر اساس رویکرد تمرکز قدرت خود و برای جلوگیری از رفتار مستقل این وزارتخانه، با انجام تغییرات گسترده در کابینه و وزراء، اداره وزارت خارجه را مستقیماً به عهده گرفت. وزارت خارجه مهمترین نقش را در هماهنگ‌سازی سیاست خارجی روسیه با سایر کشورها در مقابله با تروریسم داشته است. نقش این وزارتخانه به‌ویژه در سروسامان دادن به راهبردهای ائتلافی این کشور در مبارزه با تروریسم بیش‌ازپیش مشهود است.

در سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری، نقش نهادهای نظامی به‌ویژه وزارت دفاع و ارتش نیز بارز است. نقش و جایگاه وزارت دفاع در دوره پوتین به نحو ملموسی متحول شد. وزارت دفاع در فرایند ترمیم کابینه در مارس ۲۰۰۴ از جمله پنج وزارتخانه‌ای بود که پوتین نظارت مستقیم بر آن را به دست گرفت. اصلاحات نظامی پوتین تاثیر مستقیمی بر نحوه دخالت وزارت دفاع و نظامیان در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی داشت؛ به‌نحوی که در دوره پوتین بالاترین اقتدار در امور نظامی نیز به وزیر دفاع محول شد (نوری، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۲). نقش وزارت دفاع و ارتش به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ با حضور مستقیم این کشور در سوریه تعیین‌کننده شده است. نیکولای پانکوف^۱ معاون وزیر دفاع روسیه در این رابطه اعلام کرد که کشورش طرح‌هایی را برای از سرگیری حضور نظامی در کشورهای، مانند ویتنام و کوبا که مسکو قبلاً در آنها پایگاه نظامی داشت، در دست بررسی دارد.

1. Pankov Nikolai.

به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین دلایل این امر نگرانی روسیه از تهدیدات ناشی از تروریسم است. علاوه بر متغیرهای سیاسی، متغیرهای اقتصادی نیز در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه موثر هستند. به واقع تروریسم تهدیدی جدی برای رشد و توسعه جامعه روسیه و دستیابی به سطح قابل قبولی از مناسبات اقتصادی با سایر کشورها محسوب می‌شود. صادرات روسیه به سوریه قبل از بحران این کشور به مرز ۲۰ میلیارد دلار رسید که اکثر این سرمایه‌گذاری‌ها در قالب پروژه‌های حفاری نفت و گاز و استخراج آن بود. همچنین سوریه از خریداران بزرگ تسلیحات روسی است؛ به طوری که سیستم ارتش سوریه بر طبق تجهیزات و مدل روسی سازماندهی شده است. در اثنای بحران کنونی سوریه نیز همکاری‌های نظامی دو کشور به رغم فشارهای آمریکا در جریان بود؛ به حدی که روسیه در سال ۲۰۱۲ معادل یک میلیارد دلار سلاح به سوریه فروخت (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۹). لاوروف وزیر خارجه روسیه در کنفرانسی خبری در پاسخ به انتقادات مقام‌های غربی گفت که کشورش ناقض هیچ قرارداد بین‌المللی نیست و تحریم‌های یک‌جانبه برای کشورهایی است که آنها را وضع کرده‌اند.

۴-۳. متغیرهای اجتماعی

متغیرهای برآمده از ساختار اجتماعی نیز بر سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم موثر بوده است. مهمترین این متغیرها را طبقات مسلط در روسیه، جمعیت مسلمان، مشکلات ناشی از مناطق و ... تشکیل می‌دهند. حمایت از اتباع روسیه و روس‌تبارها در سوریه که تعداد آنها بین ۱۰ تا ۴۰ هزار نفر متغیر است، از مهمترین دلایل حضور نظامی مسکو در سوریه در مقابله با تروریسم است (قربانی، ۱۳۹۲: ۲-۱). متغیر اجتماعی دیگر، برخورداری روسیه از مناطق متعدد است. روسیه متشکل از ۸۳ واحد جغرافیایی به علاوه شبه‌جزیره کریمه است. موضوع حوزه اختیارات و نحوه توزیع قدرت بین مرکز و مناطق از ابتدای تشکیل روسیه جدید محل کشمکش بود که در موضوع چچن به تقابل نظامی نیز منجر شد.

در این چارچوب، مناطق فدرالی روسیه در سال‌های اخیر علقه‌های فراوانی را برای اتخاذ سیاست‌های مستقل از مسکو نشان داده‌اند. به علاوه تمرکز بیش از پیش قدرت در دوره پوتین زمینه‌های حفظ استقلال طلبی را در مناطقی، مانند چچن فراهم کرده است و فرصت‌های بی‌شماری برای رشد فعالیت‌های تروریستی در آنها فراهم آید. این روند در سال‌های اخیر در مناطق تاتارستان

و داغستان نیز گسترش یافته و سیاست خارجی روسیه در مبارزه با تروریسم را تحت‌تاثیر قرار داده است؛ بنابراین، یکی از عمده‌ترین تأثیرات ساختار داخلی روسیه بر سیاست خارجی این کشور در مقابله با تروریسم، وجود علقه‌های فراملی و ایدئولوژیک در مناطقی از روسیه به‌ویژه در قفقاز شمالی است.

بازگشت تروریست‌ها به روسیه علاوه بر ایجاد ناامنی، بر وضعیت اقتصادی و نیز جایگاه روسیه در عرصه انرژی نیز تأثیر دارد که پای الیگارشی موجود در جامعه روسیه به‌ویژه طبقه نوظهور را به میان می‌کشد که می‌خواهید خودورکوفسکی^۱ آن را «طبقه خط لوله» می‌خواند. این طبقه ارتباط مستقیمی با مسئله انرژی در روسیه دارد و خواستار مقابله با تروریسم برای حفظ سهم روسیه در بازارهای جهانی انرژی است (کولایی، ۱۳۹۴: ۸۲).

موضوع مهم دیگر در این رابطه حمایت‌های مذهبی به‌ویژه از سوی مسلمانان و مسیحیان از مقابله مستقیم روسیه با تروریست‌ها در خارج از مرزها است. با وجود اینکه از جمعیت ۱۵ تا ۲۰ میلیونی مسلمانان روسیه، اکثریت قاطع سنی هستند؛ اما حملات مسکو به تروریست‌ها در سوریه مورد استقبال آنها قرار گرفت. نظرسنجی بنیاد غیردولتی مبارزه با فساد روسیه نشان داد که مسلمانان بخش‌های داغستان و تاتارستان از کمک‌های روسیه به اسد در جنگ علیه تروریسم حمایت می‌کنند. آنها همچنین حمایت پوتین از اسد را که برآمده از علوی‌های سوریه است، به‌عنوان دخالت فرقه‌ای نمی‌بینند. همچنین بیشتر پاسخ دهندگان وضعیت کنونی سوریه را مبارزه با گروه‌های تروریستی، مانند داعش و مقابله ژئوپلیتیکی علیه نفوذ غرب ارزیابی کردند (Lazarev 2016: 5؛ Laruelle, 2016: 4؛ and Biryukova, 2016). در طرف دیگر، کلیسای ارتدوکس روسیه نیز حضور نظامی روسیه در سوریه را «جنگ مقدس علیه تروریسم» اعلام کرد و به‌ویژه به دفاع از مسیحیان سوریه پرداخت (Weir, 2015: 1-2).

۵-۳. متغیر محیط بین‌الملل

مهمترین تأثیرات محیط خارجی بر سیاست خارجی روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری، همکاری و تعارض منافع این کشور با سایر بازیگران است. ایران مهم‌ترین کشور همکار روسیه در مقابله با تروریسم است. الکساندر دوگین معمار سیاست خارجی نوین روسیه، ایران را از مهم‌ترین

1. Mikhail Khodrokovsky.

متحدان روسیه در جنگ علیه جهان تک‌قطبی می‌داند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳/۰۶/۲۴). به‌علاوه برای روسیه تشکیل کمربندی از کشورهای دوست، پیرامون مرزهای مسکو و کوشش در نابودی تنش و پیش‌گیری از پیدایش مشکلات در مناطق نزدیک، یک هدف اصلی سیاست خارجی است و ایران نقش ممتازی در این راهبرد دارد (اصولی، ۱۳۹۲: ۲).

با این وجود باید گفتمان سیاست خارجی روسیه را در دوره پوتین بر مبنای عدم ورود به ائتلاف‌های بلندمدت قرار داد. عدم اعتقاد به ائتلاف خارجی بلندمدت و تاکید بر اثرمندی بیشتر ابزار به‌جای شریک، نه‌تنها در کلام سیاسیون روس؛ بلکه در منابع سیاست خارجی این کشور و این کلیشه معروف رئالیستی که «در عرصه بین‌المللی دوست و دشمن وجود ندارد؛ بلکه فقط منافع وجود دارد» نیز به چشم می‌خورد (نوری، ۱۳۹۴: ۳۵). بر همین اساس همکاری‌های تهران و مسکو بیش از همه در مقابله با تهدید مشترک گروه‌های تروریستی و حفظ نظام اسد به‌صورتی تاکتیکی در سال ۲۰۱۵ شکل گرفت (Geranmayeh and Liik, 2016: 2). در این سال، پوتین برای اولین بار در گفتگویی تلویزیونی، عنوان شریک را برای ایران بکار برد؛ درحالی‌که روس‌ها قبل از این تنها آمریکا و تا حدی اروپا را شرکای خود می‌دانستند. روسیه و ایران در جریان سفر ژانویه ۲۰۱۵ وزیر دفاع روسیه به تهران، موافقتنامه همکاری نظامی امضا کردند که یکی از مهمترین زمینه‌های آن شامل توسعه همکاری‌های دوجانبه بر ضد تروریسم بود (امیری، ۱۳۹۴: ۹۱).

بدین ترتیب همان‌طور که بحران‌های سوریه و داعش بهم وصل شدند، ایران و روسیه هم به یک دستورکار مشترک در سوریه دست یافتند. در وهله اول، این رویکرد ایران، یعنی مبارزه با تروریسم و حفظ نظام سیاسی سوریه موردتوجه قرار گرفت. دو کشور حمایت از نظام سیاسی سوریه را یک اولویت برای مبارزه با داعش دانسته و نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در این زمینه را تنها در خدمت تقویت دولت سوریه پذیرفتند. در ادامه، نگاه دو طرف به مبارزه هم‌زمان با تروریست‌ها و مخالفان دولت سوریه بهم نزدیک شد. روس‌ها زمانی قایل به گفتگو با مخالفان میانه‌روی اسد بودند؛ اما به‌تدریج به این نتیجه رسیدند که تروریسم خوب و بد ندارد و باید با همه آنها با یک نگاه مبارزه کرد (برزگر، ۱۳۹۴: ۵-۲).

با عنایت به این همگرایی‌ها، روسیه و ایران به این جمع‌بندی رسیدند که همکاری آنها برای حفظ موقعیت اسد در سوریه ضرورت دارد. از جمله این همکاری‌ها اقدام هواپیماهای جنگنده

نیروی هوایی ایران در اسکورت بمبافکن‌های روس برای مقابله با تروریست‌ها و همچنین اجازه ایران به روسیه برای استفاده از فضای خود جهت شلیک موشک از دریای خزر به مواضع تروریست‌ها در سوریه بود (امیری، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۳). درمجموع در قالب تحلیلی راهبردی باید گفت که از سال ۲۰۱۵ به این سو، ایران هدایت عملیات زمینی و روسیه نیز عملیات هوایی و اطلاعاتی علیه تروریست‌ها را برعهده دارند.

روسیه در مبارزه با تروریسم همچنین با ترکیه، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و آمریکا به‌عنوان حامیان گروه‌های تکفیری نیز مواجه بوده است. ترکیه در سال‌های اخیر ضمن حرکت به سمت ایجاد تنش در منطقه، به حامی جدی گروه‌های تکفیری تبدیل شده است. ترکیه به سوریه به‌عنوان سکوی پرتاب خود برای تبدیل به قدرت اول منطقه می‌نگرد (زارع و احمدی، ۱۳۹۵). ترکیه همچنین به نیابت از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا از الگوی مقابله با دولت اسد برای کاهش قدرت منطقه‌ای ایران بهره می‌گیرد. این رویکرد ترکیه با منافع امنیتی و ژئوپلیتیکی روسیه در تعارض است و روابط مسکو-آنکارا را تحت‌تاثیر قرار داده است.

به‌علاوه، تمایل پوتین به احیای نفوذ در مناطق تحت نفوذ شوروی سابق و علاقه اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه به بازگشت نفوذ ترکیه در مناطق تحت سلطه امپراتوری عثمانی در استمرار این تنش نقش داشت و موجب افول روابط دو کشور طی (۲۰۱۷-۲۰۱۵) شد (Flangann, 2013: 4-5). نقطه عطف روابط روسیه و ترکیه در این ارتباط، هدف‌گیری هواپیمای سوخوی ۲۴ روسیه در مرز سوریه توسط جنگنده‌های ترک بود. در شرایطی که ترکیه مدعی شد هواپیمای روسی حریم هوایی این کشور را نقض کرده است، پوتین با رد این ادعا گفت که این هواپیما در عمق چهار کیلومتری خاک سوریه سقوط کرده و این عمل ترکیه را به خنجر زدن از پشت به روسیه تعبیر کرد (Selim Ozertem, 2017: 124).

روسیه در مقابله با تروریسم تکفیری در برابر رژیم صهیونیستی نیز قرار گرفت. رژیم صهیونیستی از مهمترین حامیان گروه‌های تکفیری به‌شمار می‌رود و هم‌تکمیلی قابل ملاحظه‌ای بین منافع این رژیم و گروه‌های تکفیری در ایجاد چالش برای ایران و محور مقاومت در عراق و سوریه به چشم می‌خورد (Martinez, 2016: 5). در عین حال، سیاست خارجی روسیه در مقابل این رژیم بر اساس اصول چندجانبه‌گرایی و منفعت‌محوری شکل گرفته است. مسکو در عین حال که به روابط راهبردی

با رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد، سیاست‌های تل‌آویو در حمایت از تروریست‌ها را نمی‌پذیرد. پوتین در مقابل سخنان نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم در سفر آگوست ۲۰۱۷ به روسیه که گفت از حمایت از ایران در سوریه دست بردارد، پاسخ داد: «اسرائیل یک کشور دوست برای روسیه است؛ اما ایران متحد استراتژیک ما در منطقه به‌شمار می‌رود» (Rosenberg, 2017: 1).

عربستان دیگر کشوری است که روسیه در این مسئله در برابر آن قرار دارد. ریاض به واسطه رسمیت فرقه وهابیت در آن به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تغذیه گروه‌های تکفیری محسوب می‌شود. این کشور همچنین در سال‌های اخیر از ایدئولوژی وهابیت به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای سیاست خارجی خود استفاده می‌کند. روند حمایتی ریاض از گروه‌های تکفیری، علاوه بر تهدیدهای مستقیم برای روسیه، استمرار حضور آمریکا در مناطق نزدیک این کشور، مانند آسیای مرکزی و قفقاز را به همراه دارد که متغیری تهدیدزا علیه امنیت ملی روسیه است.

درنهایت باید به تضاد سیاست‌های ضدتروریستی روسیه با آمریکا نیز اشاره کرد. از نظر روس‌ها رویکرد آمریکا طی این سال‌ها از مبارزه با تروریسم در قالب ائتلاف ضد داعش و استفاده ابزاری از تروریست‌ها در نوسان بوده است. از طرفی یکی از ملاحظات جدی روسیه در بکارگیری قدرت نظامی در سوریه این بود که حجم و گستره عملیات به حدی باشد که قدرت چانه‌زنی این کشور را در مقابل آمریکا و سایر طرف‌های درگیر بالا ببرد (حسینی، ۱۳۹۵/۰۳/۲۴). از طرف دیگر، سیاست‌های آمریکا، مانند تشکیل ائتلاف ضد داعش مورد انتقاد روسیه قرار دارد. در بند ۱۵ سند مفهوم سیاست خارجی روسیه با انتقاد ضمنی از تشکیل این ائتلاف آمده است: «تلاش اصلی در مبارزه با تروریسم باید با هدف ایجاد یک ائتلاف وسیع بین‌المللی ضدتروریستی بر پایه قانون و بر مبنای همکاری موثر میان دولت‌ها بدون هیچ‌گونه ملاحظات سیاسی یا استانداردهای دوگانه انجام شود» (Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2016: 7).

نتیجه‌گیری

تروریسم تکفیری یکی از پدیده‌هایی است که طی بیش از یک دهه اخیر تاکنون سیاست خارجی اغلب کشورها را تحت‌تاثیر قرار داده است. روسیه از مهمترین کشورهایی است که تحت‌تاثیر این پدیده قرار گرفته و سعی در مقابله با آن دارد. از آنجا که روسیه نگران سرایت این پدیده از مناطق

مختلف به‌ویژه خاورمیانه به محیط داخلی و منطقه‌ای خویش است، به‌صورت فعالی در مقابله با آن گام برداشته است. سیاست خارجی روسیه در این رابطه، مستلزم واکاوی متغیرهای مختلف است که می‌توان در قالب طرح پیوستگی روزنا در چارچوب متغیرهای فردی، نقشی، سیاسی، اجتماعی و محیط بین‌المللی به تحلیل آن پرداخت. در حوزه تاثیرات متغیر فردی، شخصیت جنگنده پوتین مهمترین متغیر موثر بر سیاست روسیه است. پوتین شخصیتی عمل‌گرا و برتری‌جو دارد که در پی احیای عظمت روسیه است. ابتکار حضور نظامی و مقابله مستقیم وی با تروریست‌ها در برابر حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و سایرین از گروه‌های تروریستی در سوریه قابل‌توجه است. ارتقاء چشم‌گیر میزان محبوبیت پوتین پس از تصمیم به مقابله مستقیم با تروریست‌ها در سوریه، شاهد بارز این امر است.

در بررسی تاثیر متغیر نقش در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه، باید به تمرکز قدرت ایجاد شده در دستگاه‌های دولتی روسیه پس از به قدرت رسیدن پوتین اشاره کرد. جایگاه برتر رییس‌جمهور در ساختار سیاسی روسیه به‌لحاظ امتیازات ویژه‌ای که در قوانین اساسی و فدرال برای او در نظر گرفته شده نقش مهمی در این امر داشته و همواره بر مسئولیت خطیر روسیه برای مقابله با بی‌ثباتی ناشی از تروریسم تاکید کرده است. وزیر امور خارجه نیز دیپلماسی فعالی به‌ویژه در شورای امنیت سازمان ملل متحد و مذاکرات مختلف دیگر، از خود به نمایش گذاشته و از ایجاد محدودیت برای دولت‌های درگیر مقابله با تروریسم نظیر سوریه توسط کشورهای معارض جلوگیری کرده است. به‌علاوه نقش نظامیان نیز به‌واسطه بحران‌های امنیتی چندلایه در سوریه به همراه ضرورت نوسازی ارتش این کشور برای مبارزه با تروریسم، در سیاست خارجی این کشور پررنگ به‌نظر می‌رسد.

در بین متغیرهای حکومتی، پارلمان روسیه متشکل از مجالس دوما و شورای فدراسیون به اتفاق آرا به تصویب توافقاتی رای دادند که به حضور نظامی روسیه در سوریه رسمیت بخشید. از طرف دیگر، وزارت خارجه نیز نقش هماهنگ‌سازی سیاست خارجی روسیه با سایر کشورها و نیز شکل‌دهی به راهبردهای ائتلافی مسکو علیه تروریسم را برعهده داشته است. وزارت دفاع و سایر نهادهای نظامی نیز در عملیاتی ساختن حضور نظامی مسکو در سوریه نقش کلیدی ایفا نمودند. از سوی دیگر در زمینه‌های اقتصادی نیز از آنجا که تروریسم تهدیدی جدی برای اقتصاد روسیه

است، مسکو قراردادهای تسلیحاتی مختلفی را با کشورهای درگیر مبارزه با تروریسم از جمله سوریه منعقد کرد.

در زمینه متغیرهای اجتماعی، حمایت از اتباع روس یکی از دلایل حضور نظامی روسیه در سوریه است. متغیر دیگر، برخورداری روسیه از مناطق مختلف است که علقه‌های فراوانی در حمایت سیاست‌های مستقل از مسکو نشان دادند.

تمرکز قدرت و ابلاغ سیاست‌های مناطق از مسکو، با حفظ زمینه برای رویکرد استقلال‌طلبانه در مناطقی، مانند چچن، فرصت را برای رشد تروریسم در این مناطق فراهم کرد. این روند در سال‌های اخیر در مناطق تاتارستان و داغستان نیز گسترش یافته و سیاست خارجی روسیه در مبارزه با تروریسم را تحت‌تاثیر قرار داده است. الیگارشی و طبقات حاکم بر بخش انرژی در روسیه دیگر متغیر اجتماعی موثر در این رابطه است؛ چراکه بازگشت تروریست‌ها به روسیه بر جایگاه روسیه در عرصه انرژی تأثیرات سوئی دارد. متغیر اجتماعی مهم در سیاست خارجی روسیه در مقابل تروریسم تکفیری را حمایت‌های جمعیت مسلمان و مسیحی این کشور از حضور نظامی برای مقابله با تروریست‌ها در خارج از مرزهای روسیه، تشکیل می‌دهد.

درنهایت، متغیر محیط بین‌المللی نیز در سیاست خارجی ضدتروریستی روسیه موثر بوده است. این متغیر درواقع به رقابت و همکاری روسیه با سایر کشورها به‌ویژه در موضوع حضور نظامی در بحران سوریه اشاره دارد. مهمترین کشور همکار روسیه در مبارزه با تروریسم، ایران است و هم‌تکمیلی منافع قابل ملاحظه‌ای بین دو کشور در این رابطه طی سال‌های اخیر شکل گرفته است. در مقابل، این رویکرد روسیه در تقابل با سیاست کشورهای چوون ترکیه، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده قرار گرفته است.

فهرست منابع:

۱. آدمی، علی و مهری آخرالدین. (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف و پیامدها (۲۰۱۱-۲۰۱۲)»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۲، (۲۲).
۲. اصولی، قاسم. (۱۳۹۲)، واکاوی روابط ایران و روسیه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۰۴/۱۲، قابل دسترسی در: <http://qafqaz.ir/fa/2398>.
۳. امیری، مهدی. (۱۳۹۴)، «همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه نظامی و دفاعی؛ ترسیم چشم‌انداز پیش رو»، در چشم‌انداز روابط ایران و روسیه، حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
۴. برزگر، کیهان. (۱۳۹۴)، «روابط ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه و مبارزه با داعش»، ماهنامه دیپلمات، ۲ (۹).
۵. بزرگمهری، مجید و غلامرضا آزادی. (۱۳۹۱)، «مبارزه با تروریسم در فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۰، تابستان.
۶. پسندیده، سمیه. (۱۳۹۳)، «بررسی جریان وهابیت در فدراسیون روسیه؛ اهداف و انگیزه‌ها»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۷. حسینی، احمد. (۱۳۹۵)، قدرت نرم روسیه در عصر پوتین، سایت دیپلماسی ایرانی، تاریخ مراجعه به سایت <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1959447>، ۱۳۹۶/۱۱/۲۱، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1959447>.
۸. حسینی‌تقی‌آباد، مهدی و علی کالیراد. (۱۳۹۴)، «سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی؛ با تاکید بر مولفه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۹۱).
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۹۶)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۲، تهران: نشر سمت.
۱۰. دیپلماسی ایرانی. (۱۳۹۳)، مغز متفکر روسیه جدید کیست؟ تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۳، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1938326>.
۱۱. زارع، صدیقه و حمید احمدی. (۱۳۹۵)، «تجدید حیات سیاسی شیعیان و کشمکش‌های فرقه‌ای- مذهبی در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۶، (۱۹).
۱۲. سهرابی، محمد. (۱۳۹۲)، «سیاست روسیه قبل و بعد از تحولات اسلامی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، ۲۳، (۷۱).
۱۳. سیف‌زاده، حسین. (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل الف و ب، تهران: نشر میزان.
۱۴. شاپوری، مهدی. (۱۳۹۳)، بحران اوکراین زمینه‌ها، بازیگران و پیامدها، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. عابدی، مهدی. (۱۳۸۸)، «بازتولید بحران در ساختار امنیتی خاورمیانه: به‌سوی شناسایی یک ابر بحران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، (۱).

۱۶. عابدی، عقیقه. (۱۳۹۴)، «رویکردهای سیاسی-امنیتی روسیه در دوران پوتین و جایگاه ایران در آن»، در چشم‌انداز روابط ایران و روسیه، حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
۱۷. کوشکی، محمدصادق و ابراهیم طاهری‌بزی. (۱۳۹۴)، «حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین؛ احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۸، (۱).
۱۸. کولایی، الهه. (۱۳۹۴)، «عوامل موثر بر دگرگونی روابط روسیه با آمریکا در دوره دمتری مدودیف»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۸، (۴).
۱۹. قاسمیان، روح‌الله. (۱۳۹۲)، کنکاشی در تحولات سوریه: ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها، تهران: نشر وزارت علوم.
۲۰. قربانی، فهیمه. (۱۳۹۲)، «مواضع روسیه در بحران سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲۱. میرمحمدی، مهدی و علیرضا خسروی. (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. نوری، علیرضا. (۱۳۸۹)، سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین: اصول و روندها، تهران: دانشکده پیامبر اعظم (ص)، مرکز مطالعات راهبرد بین‌الملل.
۲۳. نوری، علیرضا. (۱۳۹۴)، «بررسی امکان همکاری استراتژیک میان ایران و روسیه»، در چشم‌انداز روابط ایران و روسیه، حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
۲۴. واحدی، الیاس. (۱۳۹۴)، «همکاری ایران و روسیه برای حل مناقشات منطقه‌ای»، در چشم‌انداز روابط ایران و روسیه، حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
۲۵. والاس، ویلیام. (۱۳۸۴)، «تعیین مرزهای سیاست خارجی»، در ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیا و وابستگی متقابل دولت‌ها، جیمز باربر و مایکل اسمیت، ترجمه حسین سیف‌زاده، تهران: نشر قومس.
۲۶. هالستی، کی جی. (۱۳۸۴)، «عوامل داخلی و نتایج سیاست خارجی»، در ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیا و وابستگی متقابل دولت‌ها، جیمز باربر و مایکل اسمیت، ترجمه حسین سیف‌زاده، تهران: نشر قومس.
۲۷. هدایتی شهیدانی، مهدی و سجاد مرادی کلارده. (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های موثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چندسطحی»، فصلنامه آفاق امنیت، (۲۳).
۲۸. همت‌ووپیچ، رافیک. (۱۳۹۷)، «روندهای اصلی سیاست خارجی روسیه در دوران معاصر»، سخنرانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.

29. Baldoni, Giovanni. (2016), "A Theoretical Analysis of Russian Foreign Policy: Changes under Vladimir Putin", E-International Relations Students, Sep 10.

30. Barrett, Richard. (2017), "Beyond the Caliphate: Foreign Fighters and the threat of Returns", the Soufan Center, October.

31. Flangan, Stephen. J. (2013), "the Turkey-Russia-Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics", Center for strategic and International Studies, Washington Quarterly, winter.

32. Foreign Policy Concept of the Russian Federation, Approved by President of the Russian

- Federation Vladimir Putin on November 30, 2016. Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-asset_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248.
33. Geranmayeh, Ellie and Kadri Liik. (2016), "the new power couple; Russia and Iran in the Middle East", European council on Foreign Relations.
34. Laruelle, Marlene. (2016), "How Islam Will Change Russia", September 13, Available at: <https://jamestown.org/program/marlene-laruelle-how-islam-will-change-russia/>
35. Lazarev, Egor and Anna Biryukova. (2016), "are Russia's 20 million Muslims seething about Putin bombing Syria?" March 7, Available at: www.washingtonpost.com/amphtml/news/monkey-cage/wp/2016/03/07/are-russias-20-million-muslims-seething-about-putin-bombing-syria.
36. Levada Center. (2018), "is Russia moving in the right direction or this course is a dead-end?" Available at: <https://www.levada.ru/en/ratings/>.
37. Martinez, Brandon. (2016), "Why Does Israel Support ISIS?" available at: <http://nonalignedmedia.com/2016/04/why-does-israel-support-isis>.
38. Omelicheva, Mariya Y. (2009), "Russia's Counterterrorism Policy: Variations on an Imperial Theme", Perspective on Terrorism, Vol 3, No 1.
39. Putin, Vladimir. (2015), "70th session of the UN General Assembly, Vladimir Putin took part in the plenary meeting of the 70th session of the UN General Assembly in New York", Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/50385>.
40. Reuters. (2015), "Syria air strikes push Putin's rating to new high: Russian state pollster", October 22, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-russia-putin/syria-air-strikes-push-putins-rating-to-new-high-russian-state-pollster-idUSKCN0SG0SB20151022>.
41. Rosenau, James. (1971), the Scientific Study of Foreign Policy, California: University of California.
42. Rosenberg, David, (2017), "Putin to Netanyahu: We won't rein in Iran", August 29, Available at: <http://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/234703>.
43. Selim Ozertem, Hasan, (2017), "Turkey and Russia: a Fragile Friendship", Turkish Policy Quarterly, Volume 15, Number 4.
44. Sputnik news. (2016), "Five Russian Weapons Which Made Their Deadly Debut in Syria", Feb 28, Available at: <https://sputniknews.com/middleeast/201602281035491516-syria-russia-new-weapons>.
45. Weir, Fred. (2015), "Is Russia's intervention in Syria a 'holy war'? Russian Orthodox Church: 'yes'", November 23, The Christian Science monitor, Available at: www.csmonitor.com/layout/set/amphtml/World/Europe/2015/1123/Is-Russia-s-intervention-in-Syria-a-holy-war-Russian-Orthodox-Church-yes.

